

زیبا فرزین نیا^۱

سیاست خارجی پاکستان در نیم‌قرن گذشته همواره بر محور امنیت استوار بوده است. سیاست افغانی پاکستان نیز بر این محور تکیه داشته است یکی از دلایلی که پاکستان برای حمایت از طالبان ارائه می‌کند این است که طالبان اکثر مناطق افغانستان را در اختیار دارد و دولت پاکستان نیز به علت اینکه آنان توانسته‌اند امنیت را کنترل نمایند از آنها حمایت می‌کند. اما سیاست حمایت از طالبان مشکلات مختلفی برای پاکستان از جمله خشونت فرقه‌ای، بی‌ثباتی و تهاجم فرهنگ تروریسم را به دنبال داشته است. اخیراً دو مسأله پناهندگان افغانی و مواضع شدید سازمان ملل علیه طالبان، پاکستان را تحت فشار جدیدی قرار داده است. در این مقاله ضمن بررسی این مسایل به نشانه‌هایی از تغییر در سیاست آمریکا نسبت به طالبان و نظرات مختلفی که در اجلاس‌های بین‌المللی در زمینه حل بحران افغانستان ارائه شده، اشاره می‌شود و در پایان سناریوهای محتمل پیش‌بینی می‌گردد.

مقدمه

سیاست خارجی پاکستان در نیم‌قرن گذشته همواره بر محور امنیت استوار بوده است. نگرانی‌های امنیتی در جهان دوقطبی، پاکستان را به سوی پیمان‌های سنتو و سیتوسوق داد. هدف اصلی سیاست خارجی رفع تهدید علیه امنیت ملی بود که این امنیت همواره از طرف مرزهای هند و افغانستان در خطر قرار داشت. لذا پاکستان در دوران جنگ سرد کوشید با حفظ و گسترش مناسبات خود با غرب و به‌ویژه آمریکا منافع حیاتی خود را حفظ نماید. مسأله کشمیر و نگرانی‌های ناشی از خطر هند دو بار

۱. خانم زیبا فرزین نیا متخصص امور پاکستان و رئیس واحد نشریات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

پاکستان را درگیر جنگ منطقه‌ای نمود. اکنون نیز کشمیر همچنان به صورت مرکز بحران و تهدید بالقوه وجود دارد و مرکز توجه سیاست خارجی پاکستان می‌باشد. اشغال افغانستان به وسیله نیروهای شوروی سابق همچنین تهدیدی جدی علیه امنیت پاکستان بود. در فضای جنگ سرد پاکستان در جبهه آمریکا قرار گرفت و از کمک‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی آن کشور برخوردار شد. اما پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، نظام بین‌المللی تغییر یافت و آمریکا به صورت تنها ابر قدرت جلوه‌گر گردید و ملاحظات امنیتی جهان دگرگون شد.^(۱)

اصلاحیه پرسلر در ۱۹۹۰ به دلیل اتمی شدن پاکستان طرح و به تصویب مجلس نمایندگان آمریکا رسید و موجب قطع کمک‌های نظامی آمریکا و فروش تسلیحات نظامی به پاکستان شد. آزمایش‌های اتمی پاکستان در مه ۱۹۹۸ سایر کمک‌های اقتصادی و مالی را نیز متوقف نمود و اعتبارات اعطایی به پاکستان را به حالت تعلیق درآورد. پاکستان تلاش فراوانی به عمل آورد تا جامعه بین‌المللی را قانع کند که این اقدام پاکستان به منظور تأمین امنیت خود بوده و تهدیدی برای منطقه و جهان نمی‌باشد؛ ولی کشورهای مختلف به طرق گوناگون پاکستان را برای امضای قرارداد CTBT و زمان‌بندی امضای قراردادهای دیگر نظیر NPT تحت فشار قرار دادند و عملاً پاکستان نتوانست از این حرکت منافی کسب کند. این امر به صورت یک عامل منفی و بازدارنده در سیاست خارجی پاکستان تبدیل شد و این کشور را در انزوا قرار داد.

سیاست افغانی دولت پاکستان نیز در عمل پاکستان را در جایگاه ضعف قرار داد. نه تنها کشورهای منطقه بلکه جامعه جهانی اقدام طالبان را علیه اقلیت‌ها و زنان، غیرانسانی و خلاف حقوق بشر شمرد و آن را محکوم کرد. جامعه بین‌المللی رفتار طالبان در قبال هموطنان خود و حمایت از تروریسم را نیز محکوم نموده قطعنامه‌ای مبنی بر محکومیت این رژیم در شورای امنیت به تصویب رسید. دولت پاکستان به رغم تلاش‌های فراوان در مجامع بین‌المللی و در سطح کشورهای منطقه نتوانست مشروعیتی برای طالبان کسب نماید و حتی خود نیز به

حمایت و پشتیبانی از این رژیم متهم شد و در عمل در فشار و انزوا قرار گرفت. سیاست حمایت از طالبان مشکلات مختلفی برای منطقه به دنبال داشت. این سیاست موجب شد تا بسیاری از جهانیان و کشورهای منطقه به این کشور به عنوان حامی افرادی که در مبارزات مسلحانه نقش دارند، بنگرند. حتی عربستان سعودی که در ابتدا طالبان را به رسمیت شناخت به واسطه سیاست‌های این رژیم مبنی بر عدم موافقت با تحویل اسامه بن لادن در سپتامبر ۱۹۹۸ کاردار خود را از کابل فراخواند. پاکستان نیز از خشونت فرقه‌ای، بی‌ثباتی و تهاجم فرهنگ تروریسم از سوی افغانستان در امان نماند.^(۲) از هرشش نفر ساکن اسلام‌آباد یک نفر افغانی است. بنابه یک بررسی انجام شده، حدود ۱۰۰ هزار تبعه افغانی در اسلام‌آباد زندگی می‌کنند. در حالی که براساس آخرین سرشماری کل جمعیت اسلام‌آباد به ۶۰۰ هزار نفر می‌رسد. حدود ۶۴ هزار افغان در این شهر آلودگ‌نشین بوده و اغلب آنها در جنایات مختلف مثل قاچاق مواد مخدر، ترور و دزدی مسلحانه دست دارند.^(۳) بی‌نظیر بوتور رهبر حزب مردم در این زمینه گفت: حضور آوارگان افغانی در پاکستان تهدیدی علیه امنیت پاکستان است. آنان برای آموزش افراط‌گرایی در پاکستان مدارس آموزشی تأسیس می‌کنند و این روند بر خطر طالبانی شدن پاکستان می‌افزاید.^(۴) در ماه‌های اخیر دو مسأله پناهندگان افغانی و مواضع شدید سازمان ملل علیه طالبان، پاکستان را تحت فشار جدیدی قرار داده است. در این مقاله ضمن بررسی این مسایل به نشانه‌هایی از تغییر در سیاست آمریکا نسبت به طالبان و نظرات مختلفی که در اجلاس‌های بین‌المللی در زمینه حل بحران افغانستان ارائه شده اشاره می‌شود و در پایان سناریوهای محتمل پیش‌بینی می‌گردد.

پناهندگان افغانی

افغانستان یکی از کشورهای بحران‌زا و پناهنده‌خیز در دو دهه گذشته بوده است. جنگ داخلی بیست‌وسه‌ساله در این کشور موجب شده که بیش از پنج میلیون افغان از کشور خود آواره

شوند. کنوانسیون پناهندگان در ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۵۱ بر اساس قوانین مدرن جامعه بین‌المللی تنظیم شد تا از کسانی که در کشور خود به سبب عقاید سیاسی یا مذهبی شکنجه می‌شوند و یا مورد تعقیب و اذیت و آزار قرار می‌گیرند و یا از درگیری‌ها فرار می‌کنند حمایت شود. اما در دو دهه اخیر به سبب افزایش مهاجرت‌های دسته‌جمعی برخورد کشورهای میزبان نیز تغییر کرده است. افغان‌هایی که در این مدت مجبور شده‌اند در جستجوی پناهندگی به کشورهای مختلف مهاجرت کنند به لحاظ افزایش شمار پناهندگان مشکلات جدیدی را تجربه می‌کنند که سازمان ملل متحد از آن نگران است. در سال ۲۰۰۰ افغان‌ها از ۶۸ کشور جهان تقاضای پناهندگی کرده‌اند. در اروپا، در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با سال ۱۹۹۹ تعداد پناهندگان افغانی دوبرابر شده بود.^(۵) کمیساریای سازمان ملل متحد می‌گوید در بسیاری از کشورها شرایط برای افغان‌ها پیچیده و فضا تنگ‌تر می‌شود. بیشتر افغان‌ها خود را مستقیماً در مراکز بازداشتگاه‌ها یا محلات ویژه حفاظت از پناهندگان می‌یابند که شرایط زندگی در آن سخت و دشوار است. در استرالیا بسیاری از پناهندگان در شرایطی مشابه زندان به سر می‌برند و در کشورهای اروپایی نیز با سرنوشتی نامعلوم در خوابگاه‌های دور از شهر از آنها حفاظت می‌شود که از نظر روانی سخت و دشوار است.

در سالهای مدید ادامه بحران در افغانستان، کشورهای همسایه بخصوص ایران و پاکستان پذیرنده بیشترین تعداد پناهندگان بوده‌اند و هزینه‌های بسیاری را - به‌ویژه ایران - در این زمینه متقبل شده‌اند. به عبارت دیگر در دو دهه گذشته بار سنگین نگهداری پناهندگان افغانی بر دوش این کشورها بوده است و سایر کشورهای جهان کمتر سهم خود را در پذیرش مهاجران ادا کرده‌اند.

وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

در طول دو دهه گذشته که افغان‌ها به پاکستان مهاجرت کرده‌اند بعضی از آنها به دلیل

ارتکاب جرایم یا تخلفات سیاسی زندانی شده‌اند. تا پیش از تسلط مجاهدین و طالبان بر کابل گروه‌های مجاهدین زندان‌های ویژه‌ای در پاکستان داشتند که می‌توانستند افغان‌های مخالف یا مشکوک را زندانی کنند و گاهی افراد زندانی شده ناپدید می‌شدند. اما در سال‌های اخیر افغانی‌های خاطی از طرف دولت پاکستان در پاکستان زندانی می‌شوند. گروه اول کسانی هستند که جرایمی مرتکب شده‌اند و گروه دوم شماری از پناهندگان که دارای مدارک رسمی اقامت و یا مهاجرت در پاکستان نیستند و معمولاً پلیس می‌تواند آنها را بر اساس قانون این کشور بازداشت کند. پناهندگان بارها شکایت کرده‌اند که پلیس به بهانه نداشتن مدرک سبب اذیت و آزار آنها می‌شود. طالبان تاکنون چندین بار بنابر شکایات پناهندگان افغان در پاکستان به ویژه در اسلام‌آباد پایتخت این کشور با مقامات پاکستان گفتگو کرده‌اند و هر بار مقامات پاکستانی تعهد کرده‌اند که به این شکایات رسیدگی کنند. دو کشور در سفر اخیر معین‌الدین حیدر وزیر کشور پاکستان به افغانستان در این زمینه به توافقیایی دست یافتند. بر این اساس، دولت پاکستان هیأت عالی‌رتبه‌ای تعیین کرد تا همراه با هیأت دونفره طالبان به وضعیت افغان‌هایی که به ارتکاب جرایم کوچک در این کشور زندانی شده‌اند رسیدگی کند.^(۶)

مقامات پاکستان معتقدند که در حال حاضر حدود ۱/۵ میلیون نفر افغان در پاکستان به سر می‌برند که بسیاری از آنها به دنبال تهاجم روسیه به افغانستان در اوایل دهه ۸۰ میلادی به پاکستان پناه برده‌اند. دولت پاکستان بر این باور است که بیش از این از عهده هزینه پذیرش آوارگان جدید برنخواهد آمد. از نظر آنها کمک‌های خارجی به آوارگان افغان در حال حاضر تبدیل به جزء ناچیزی از کمک‌هایی شده است که پاکستان در دوران جنگ سرد دریافت می‌کرد یعنی زمانی که پیشاور در جبهه مقدم مبارزات ضدکمونیستی قرار داشت.

از نظر پاکستان، افغانستان که بیشتر آن تحت کنترل طالبان یعنی متحدان آنهاست از امنیت برخوردار است و افغان‌ها اکنون می‌توانند به خانه‌های خود بازگردند ولی مقامات کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان متقاعد نشده‌اند و می‌گویند که آوارگان

افغان از این بابت نگران هستند که در بازگشت مورد آزار و اذیت قرار گیرند و به همین دلیل باید در پاکستان بمانند.

پاکستان از ژوئیه ۲۰۰۱ بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان از ایالت بلوچستان و ایالت سرحد شمال غربی را به مرحله اجرا گذاشته است. براساس این برنامه تا اوت ۲۰۰۱ حدود ۴۸۰۰ نفر به افغانستان بازگشته‌اند. برای پناهندگانی که به میهن‌شان برمی‌گردند شش هزارروپیه پاکستانی و ۱۵۰ کیلوگرم گندم از سوی سازمان ملل متحد توزیع می‌شود. سازمان ملل معتقد است که بسیاری از افغان‌ها بدون مساعدت کمیساریای سازمان ملل متحد به کشور خود رفته‌اند. خشکسالی شدید، وضعیت بد اقتصادی و کم شدن علوفه برای دام‌ها در بلوچستان و ایالت سرحد این نگرانی جدی را در میان پناهندگان به وجود آورده که ممکن است با افزایش مشکلات در پاکستان، مسئولان تصمیم به بازگرداندن اجباری پناهندگان افغان بگیرند. از این نظر است که خانواده‌های افغان می‌خواهند به موقع به کشورشان برگردند. برخی معتقدند واقعیت این است که پناهندگان افغان معمولاً برای نجات از گرمای سوزنده تابستان پاکستان به افغانستان می‌روند و در فصل پاییز مجدداً به پاکستان برمی‌گردند.

دولت پاکستان گفته است که دیگر بیش از این نمی‌تواند پناهنده در خاک خود بپذیرد و از ثبت نام پناهندگان اردوگاه جلوزی خودداری کرد. این اردوگاه محل سکونت ده‌هزار پناهنده افغان است که امسال از کشور خود فرار کرده‌اند. موضوع پذیرش این پناهندگان به اختلاف بین دولت پاکستان و آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد دامن زده است. جلوزی تبدیل به سمبل دردورنج و مشقتی شده است که آوارگان افغان با آن روبرو هستند. این اردوگاه اکنون در فهرست مکان‌هایی است که مقامات عالی‌رتبه خارجی که به پاکستان می‌روند از آن دیدار می‌کنند.^(۷) کریستینا روکا معاون وزارت خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا نیز در اول اوت ۲۰۰۱ چند دقیقه‌ای از این اردوگاه بازدید کرد.

خانم روکا در دیدار با پناهندگان افغان در اردوگاه جلوزی گفت که کشورش آماده کمک به

این پناهندگان است. یک روز پس از دیدار او از این اردوگاه، پاکستان به کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان اجازه داد که وضعیت پناهندگان تازه وارد را ارزیابی کند و برنامه ثبت نام را آغاز کند. آنچه که پاکستان حتی پس از دیدار و تقاضای دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد آن توافق نمی کرد.

تشدید تحریم علیه طالبان

تحریم‌ها دو سال پیش در پی امتناع طالبان از تسلیم اسامه بن لادن ناراضی سعودی وضع شد. اسامه بن لادن که از تندروان اسلامی است متهم به دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی علیه آمریکا است. طالبان در اعتراض به تحریم‌ها، برخی دفاتر سازمان ملل متحد را در افغانستان تعطیل نمودند. مجسمه‌های بزرگ بودا را تخریب کردند و بر اساس گزارش‌ها به اردوگاههای آموزش نظامی تندروان اسلامی در داخل افغانستان اجازه فعالیت دادند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه جدیدی در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۱ به تصویب رساند که هدف از آن اعمال نظارت بیشتر بر انجام تحریم‌های وضع شده علیه مقامات طالبان در افغانستان است. این قطعنامه خواستار استقرار گروه‌هایی متشکل از ناظران در منطقه شده تا در امر متوقف کردن ارسال اسلحه و قاچاق سایر کالاها از مرز پاکستان به افغانستان همکاری کنند. براساس این قطعنامه یک هیأت پانزده نفری در اسلام‌آباد و پنج تن دیگر در نیویورک مستقر خواهند شد. انتظار می‌رود هیأت ناظران امکان دسترسی به امکانات اطلاعاتی را داشته باشند. زمانی که ناظران کار خود را آغاز کنند وظیفه عمده آنها نظارت بر چگونگی اجرای مفاد قطعنامه است آنها به دفتر مرکزی سازمان ملل متحد گزارش خواهند داد که قطعنامه چطور اجرا می‌شود. قطعنامه از همه کشورها خواسته است تا در اجرای تحریم‌ها و مجازات متخلفان همکاری کنند. همچنین پیشنهاد شده است که گروه‌های بین‌المللی به کشورهای هم‌مرز افغانستان یعنی چین، ایران، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان

فرستاده شوند تا به مسئولان محلی در زمینه اعمال تحریم‌ها علیه طالبان کمک کنند. حدود پانصد هزار نفر در حال حاضر در افغانستان از گرسنگی و فقر رنج می‌برند. درآمد ملی که در حال حاضر در اختیار طالبان قرار دارد در میان مردم این کشور توزیع نمی‌شود و سازمان‌های امداد نگران وضعیت اقتصادی مردم هستند. کارکنان سازمان‌های امداد سازمان ملل متحد می‌گویند تحریم‌ها کار آنها را بیش از پیش دشوار کرده است. اما تحقیقاتی که سازمان ملل متحد انجام داده نشان می‌دهد که این جنگ و خشکسالی شدید است که مردم عادی افغانستان را دچار مشکلات کرده است. دبیرکل سازمان ملل متحد گزارشی را در این زمینه ارائه کرد. او در ضمن پیشنهاد کرد که برای رفع مشکلات تعمیر هواپیماهای شرکت هواپیمایی ملی افغانستان (آریانا) اجازه داده شود تا هواپیماها حق پرواز به خارج را داشته باشند. سازمان ملل متحد امیدوار است که تحریم تسلیحاتی طالبان را وادار کند تا گفتگوها با جامعه جهانی را برای حل مشکلات موجود از سر بگیرند. اما پاکستان حامی طالبان در این زمینه چه نظری دارد؟

پاکستان و تحریم‌ها

گرچه شورای امنیت تلاش بسیار کرده است تا از متهم کردن پاکستان به نقض آشکار تحریم‌ها علیه طالبان اجتناب کند گزارش‌هایی وجود دارد که به احتمال بسیار زیاد مقامات پاکستان تجارت اسلحه در مرز افغانستان را نادیده گرفته‌اند. بزرگترین چالشی که گروه ناظر بر تحریم‌ها در منطقه با آن روبرو خواهد بود، جلوگیری از قاچاق اسلحه در مرزی به طول بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر است که از ناهموارترین مناطق در سطح زمین می‌گذرد.^(۸)

خانم شیرین مزاری رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک اسلام‌آباد ضمن دفاع از تصمیم پاکستان دایر بر به رسمیت شناختن رژیم طالبان گفت: پاکستان پیوسته بنابه دلایلی هر دولت مستقر در کابل را به رسمیت شناخته است. ما باید در این تصمیم خود پایدار بمانیم. وی گفت: پاکستان نمی‌تواند رژیم طالبان را تا زمانی که آن رژیم کابل را در دست دارد مردود بشمارد.

شیرین مزاری ضمن حمایت از ارتباط با رژیم طالبان گفت: رژیم طالبان را می‌توان از طریق انجام مذاکرات میان‌رودت‌ساز ساخت.^(۹)

پاکستان که همواره ادعا کرده است از تحریم تسلیحاتی حمایت می‌کند از قطعنامه جدید استقبال کرده است. این نشانه‌ای است مبنی بر اینکه پاکستان در یافته‌ها پافشاری بیشتر در مقابل تحریم‌ها علیه طالبان دیگر سودی ندارد. پاکستان بار دیگر تأکید کرده که با وجود اینکه در اصل با اعمال این تحریم‌ها مخالف است اما به عنوان عضو سازمان ملل متحد به وظیفه خود در مورد نظارت بر اعمال تحریم تسلیحاتی علیه طالبان عمل می‌کند.

نشانه‌هایی از تغییر در سیاست آمریکا

از نظر آمریکا، افغانستان هنوز یکی از موانع اصلی در راه بهبود روابط آن کشور با پاکستان به حساب می‌آید. در حالی که دولت بوش در مقایسه با دولت قبلی (کلینتون) در محکوم کردن فعالیت‌های اسامه بن لادن و طرفدارانش تندروی نشان نداده، آن دولت در ملاقات‌های اخیر نگرانی‌های خود را به پاکستان ابلاغ نموده و گفته است که آمریکا هنوز حضور این تبعه ناراضی عربستان سعودی را به عنوان تهدیدی به منافع ملی عمده خود تلقی می‌کند.^(۱۰)

بنا به گفته مقامات وزارت امور خارجه آمریکا برخلاف آنچه که پاکستان وانمود می‌کند که این کشور نفوذ زیادی بر طالبان ندارد واشنگتن معتقد است که اسلام‌آباد برای تحویل دادن اسامه بن لادن به آمریکا می‌تواند در راستای تحت فشار قرار دادن طالبان نقش بسیار مؤثری ایفا نماید.^(۱۱)

روزنامه واشنگتن پست^(۱۲) ادعا کرده است مقامات آمریکایی در جریان سفر اخیر عبدالستار وزیر امور خارجه پاکستان به آمریکا به وی متذکر شده‌اند کاخ سفید شواهد و مدارک فراوانی دال بر نقض تحریم‌های سازمان ملل علیه افغانستان با ارسال کمک نظامی به طالبان از سوی اسلام‌آباد در اختیار دارد.

آمریکا معتقد است که پاکستان نه تنها از رژیم طالبان حمایت می‌کند بلکه حتی به عنوان سخنگوی انحصاری آن رژیم در کلیه جوامع بین‌المللی نیز درآمده است. برخی از مقامات ارشد وزارت امور خارجه آمریکا می‌گویند که بدون حمایت پاکستان، رژیم طالبان نمی‌تواند در مسند قدرت باقی بماند. رژیم طالبان از حمایت مردمی در داخل و خارج از افغانستان برخوردار نیست و رهبران طالبان فاقد صلاحیت و توانایی برای رهبری کشور می‌باشند. در عین حال، آمریکایی‌ها از احمدشاه مسعود نیز که به جنگ داخلی افغانستان دامن می‌زند ناامید شده‌اند. برخی بر این باورند که نظر مقامات آمریکایی این است: «با حضور طالبان، استقرار صلح و ثبات در افغانستان امکان‌پذیر نیست» (۱۳).

هدف سفر خانم روکا در اواخر ژوئیه ۲۰۰۱ به هند و پاکستان کسب اطلاع از اوضاع روابط این دو کشور و مسأله افغانستان بود، تا براساس اطلاعات جدید در تدوین سیاست آمریکا درباره کشورهای یادشده به هیأت حاکمه بوش کمک کند. برخی گزارش‌ها حکایت از این دارد که مأموریت ویژه وی پس گرفتن موشک‌های استینگر از مجاهدین و سازمان اطلاعات نیروهای مسلح پاکستان بود که آمریکا در خلال تجاوز روسیه به مجاهدین افغانی داد و اکنون از آن بیم دارد که تکنولوژی آن به دست ایران و یا کشورهای چوون عراق بیافتد. البته روکا در این مأموریت به موفقیت قابل توجهی که بتواند بن بست موجود را بشکند، دست نیافت. (۱۴)

مسأله اسامه بن لادن و عملکرد طالبان سایه سنگینی بر دیدار خانم روکا با ملا عبدالسلام ضعیف سفیر طالبان در پاکستان افکنده بود اما مذاکرات مستقیم خانم روکا با سفیر طالبان این فرصت را برای وی فراهم ساخت تا خود وضعیت را ارزیابی نماید. کریستینا روکاتلی این ملاقات مسایل مربوط به اسامه بن لادن و تحریم‌های سازمان ملل که اجازه اجرای یک مکانیسم نظارتی داده است را با وی مورد بحث قرار داد. در حالی که روکا معتقد بود نیازی به ادامه تحریم‌ها در صورت تحویل اسامه و تعطیل اردوگاه‌های آموزش تروریست‌ها توسط طالبان نخواهد بود، سفیر طالبان بار دیگر از دولت آمریکا خواست هرگونه مدرک دایر بر دست داشتن اسامه در اعمال تروریستی را ارائه دهد.

در این ملاقات، ملا عبدالسلام ضعیف ناخشنودی رژیم طالبان را نسبت به تحمیل تحریم‌های یکجانبه علیه افغانستان توسط شورای امنیت سازمان ملل که به نظر وی تنها باعث دامن زدن به آتش جنگ در داخل افغانستان خواهد شد، ابراز نمود. ممنوعیت کشت خشخاش از سوی طالبان نیز طی این ملاقات مطرح شد و مقام آمریکایی اذعان کرد که رژیم طالبان این ممنوعیت را به‌طور مؤثر اجرا کرده است.

کریستینا روکا پرداخت مبلغ ۱/۵ میلیون دلار را به عنوان کمک کوتاه مدت به برنامه سازمان ملل برای کنترل مواد مخدر، جهت حمایت از ممنوعیت کشت خشخاش در استان ننگرهار افغانستان، در پاسخ به اجرای مؤثر ممنوعیت کشت خشخاش توسط رژیم طالبان اعلام کرد. روکا گفت: برای جامعه بین‌المللی ضرورت دارد که به کشاورزانی که با اثرات ممنوعیت کشت خشخاش متضرر می‌شوند کمک کند. خانم روکا اظهار داشت: وی با سفیر طالبان نفوذ فزاینده عوامل خارجی در افغانستان را مورد بحث قرار داده است. وی گفت: اینگونه مهمانهای خارجی که توسط طالبان حمایت می‌شوند در تروریسم بین‌المللی دست دارند و نیز باعث افزایش آزار و اذیت کارکنان بین‌المللی امداد‌گردیده و مانع تلاش آنها جهت تأمین کمک به مردم رنج‌دیده افغانستان شده‌اند. (۱۵)

رژیم طالبان گفته است: آن رژیم با حل کلیه مسایل از جمله مسأله اسامه بن لادن از طریق مذاکره موافق است؛ ولی اخطار کرد که به جهت اقدامات تهدیدآمیز مورد ارباب قرار نخواهد گرفت. ملا میرخان متقی وزیر آموزش و پرورش طالبان به رادیو صدای آلمان گفت: ما پیوسته با آمریکایی‌ها ملاقات کرده و به آنها گفته‌ایم که افغانستان یک کشور مستقل دارای دولت اسلامی است و اگر طرفی نگرانی دارد باید موضوع را با ما مورد بحث قرار دهد. ما همواره آماده گفتگو هستیم چون مسایل را می‌توان از طریق مذاکره حل و فصل کرد. (۱۶)

برخی معتقدند سفر خانم روکا در زمینه ذوب یخ‌های روابط میان پاکستان و آمریکا نیز ناموفق بوده است. روزنامه نیوز^(۱۷) طی سرمقاله‌ای تحت عنوان «دیدار روکا» می‌نویسد: دیدار خانم روکا از پاکستان آشکارا آن نوع نتایجی را که به ترمیم روابط پاکستان و آمریکا بپردازد دربر

نداشت. این سفر بیشتر یک گردش تحقیقاتی بود برای کمک به تنظیم یک سیاست در منطقه جنوب آسیا، پیش از آنکه بخواهد ایجاد صمیمیت نماید. خانم روکا بخصوص در مورد پاکستان برخوردار بود و معتدل داشت و اظهارات وی برخلاف موج انتقاد شدیدی است که در وزارت خارجه آمریکا نسبت به منطقه وجود دارد.

پس از این سفر دولت بوش کار بازنگری در سیاست خود نسبت به افغانستان و پاکستان را به اتمام خواهد رساند. نظرات متفاوتی در این مورد وجود دارد:

۱. عده‌ای می‌گویند برخلاف دولت کلینتون که در سیاست مربوط به افغانستان تلاش می‌کرد تا عوامل آمریکا اسامه بن لادن را دستگیر کنند انتظار می‌رود دولت بوش باند کوچکی را که اکنون ملا محمد عمر رهبر طالبان را احاطه کرده‌اند از نظر سیاسی مورد هدف قرار دهد.
۲. بعضی از دیپلمات‌های آمریکایی اکنون معتقدند برکناری طالبان از قدرت، پیش‌نیازی برای دستگیری اسامه و خاتمه بخشیدن به جنگ داخلی در افغانستان است.
۳. برخی از دیپلمات‌های آمریکایی تفاوتی بین رژیم حاکم طالبان و طالبان میانه‌روتر قائل هستند.

در هر صورت، همه آنها شکوه دارند که دولت کلینتون با راه‌انداختن تبلیغ گسترده در خصوص مبارزه علیه اسامه، وی را به یک قهرمان بین‌المللی که برای برپایی انقلاب اسلامی در سراسر جهان و مبارزه با آمریکا در حال جنگ می‌باشد، مبدل ساخته است.^(۱۸)

اجلاس‌های مختلف در مورد افغانستان

اجلاس‌های مختلفی برای حل مسأله افغانستان در ماه‌های اخیر تشکیل و تماس‌هایی نیز در این زمینه با افغان‌های تبعیدی برقرار شده است. شمار کثیری از افغان‌های مقیم چندین کشور خارجی همراه با مقامات اتحاد شمال افغانستان در اواخر ژوئیه ۲۰۰۱ در یک کنفرانس مشورتی که در لندن برگزار شده بود شرکت نموده و ایده نهضت مقاومت ملی وسیع‌تر را برای مقابله با طالبان تصویب کردند.^(۱۹) این گردهمایی توسط محمد ولی برادر احمدشاه مسعود

ترتیب یافته بود. هدف از آن برقراری ارتباط میان جریان‌های سیاسی خارجی و جبهه‌های نظامی در داخل این کشور بود. برگزارکنندگان این جلسه را «مجلس مشورتی پشتیبانی مقاومت ملی افغانستان» نامیدند و در پایان قطعنامه‌ای به تصویب رساندند که در آن خواستار مقاومت علیه «مثلث شوم طالبان-بن لادن-پاکستان» شدند. در مجلس مشورتی لندن که شخصیت‌های افغان مقیم کشورهای مختلف و برخی از نمایندگان ائتلاف مخالف طالبان شرکت کرده بودند در مورد همکاری‌های سیاسی مبتنی بر اصول دموکراسی و پلورالیزم سیاسی برای آینده افغانستان توافق شد.

در کنفرانس لندن، ۵ کمیسیون موقت جهت رسیدگی به امور سیاسی، فرهنگی و نیز بازسازی اقتصادی و روابط بین گروه‌های افغانی تشکیل گردید. گروه‌های مختلف نزدیک به ائتلاف مخالفان طالبان که طیف‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرند در یک موضعگیری صریح تلاش در جهت دستیابی به یک راه‌حل را پیوستن به جبهه مخالف طالبان می‌دانند. به طوری که در قطعنامه گفته شده آنچه ظاهراً این نیروها را به هم وصل کرده است، توافق درباره‌ی یک نظام سیاسی مبتنی بر اصول دموکراسی، حق آزادی بیان، اراده مردم و پلورالیزم سیاسی است. در این قطعنامه از تأسیس یک دولت فراگیر و برپایی جامعه مدنی صحبت شده است.

قطعنامه‌ای در حمایت از تشکیل لویه جرگه در داخل افغانستان نیز به عنوان یکی از راه‌های دستیابی به صلح و انعکاس آرای آزاد مردم تصویب شد. مقامات افغانی شرکت‌کننده در این اجلاس تشکیل یک سازمان و یا حزب سیاسی جدید قریب‌الوقوع را تکذیب نموده و تأکید کردند که تلاش‌های کنونی هدف تقویت مناسبات بین نیروهای داخلی و خارجی طرفدار مقاومت و توجه به فعالیت‌های کوتاه و دراز مدت استوار بر یک مجمع سیاسی افغانی وسیع‌تر به منظور حمایت از نهضت مقاومت ضد طالبان را دنبال می‌کند.

محمد یونس قانونی از مقامات جبهه متحد مخالف طالبان اهمیت مجلس لندن را فشار

آوردن بر عوامل جنگ ارزیابی می‌کند او می‌گوید: «از آنجا که طالبان همواره پیشنهادهای صلح را برای حل بحران جاری افغانستان رد کرده‌اند شرکت‌کنندگان کنفرانس لندن یگانه راه را در مقاومت می‌بینند». این مجلس از سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی و جامعه بین‌المللی خواسته است که به پاکستان فشار وارد کنند تا از مداخله در امور افغانستان خودداری کند و زمینه برای تأمین صلح مساعد شود.

سازمان ملل نیز مقدمات تشکیل نشست را در لندن برای حل بحران افغانستان فراهم خواهد کرد. کشورهایی که با افغانستان روابط تجاری دارند و به افغان‌ها کمک می‌کنند در این جلسه شرکت خواهند کرد. فرانسیس وندرل فرستاده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان نیز در این اجلاس شرکت خواهد کرد. در این اجلاس، امور مربوط به اوضاع جاری در افغانستان و راه حل احتمالی برای حل بحران کنونی در آن کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت.

آلمان نیز در پشت صحنه برای پایان دادن به بن‌بست در مذاکرات بین روسیه و افغانستان در مورد اختلافات ارضی و برای حل مسأله اسامه بن لادن بین واشنگتن و کابل فعالیت می‌کند. روس‌ها و طالبان تاکنون سه دور مذاکرات داشته‌اند ولی این ملاقات‌ها که در عشق‌آباد، اسلام‌آباد و امارات متحده عربی طی چند ماه گذشته، انجام گرفته هیچ‌گونه موفقیتی در پی نداشته است. مسکو در پی کسب تضمین از طالبان دایر بر اینکه نقطه‌نظرات آنها درباره اسلام و مبارزه طلبی نباید سبب ناامنی در کشورهای مسلمان‌نشین آسیای مرکزی شود می‌باشد. (۲۰)

همزمان با این اجلاس‌ها اقداماتی برای احیای آلترناتیو ظاهرشاه و لویه جرگه (۲۱) یعنی پیشنهادی که بشدت مورد حمایت ایتالیا (محل اقامت ظاهرشاه همراه با گروهی از طرفداران وی) می‌باشد، در دست انجام است. نتایج یک نظر سنجی محرمانه که در داخل افغانستان برگزار شده بود نشان‌دهنده حمایت از لویه جرگه تحت سرپرستی ظاهرشاه بود. این نتایج اخیراً توسط یک مقام ارشد وزارت امور خارجه آمریکا انتشار یافته است. (۲۲)

یک هیأت ۴ نفره از لویه جرگه رم به ریاست دکتر زلمی رسول در ارتباط با برگزاری «لویه جرگه» در افغانستان، و کسب حمایت دولت انگلیس در این زمینه و تشکیل یک دولت فراگیر در افغانستان با این دولت مذاکره کرد. بنابه گفته شاهزاده مسعود از نهضت متحد ملی و اسلامی افغانستان، این هیأت در روزهای ۶ و ۷ اوت سال گذشته با مقامات وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع انگلیس دربارهٔ اوضاع افغانستان و برگزاری لویه جرگه مذاکره کرد. (۲۳)

حمید کارزی عضو اجرایی لویه جرگه رم گفته است: لویه جرگه مزبور در ماه دسامبر تشکیل جلسه خواهد داد. وی گفت: با اینکه هنوز محل برگزاری لویه جرگه تعیین نشده امید می‌رود جرگه مزبور در نقطه‌ای در داخل افغانستان تشکیل شود. اما رژیم طالبان هنوز در مورد شرکت در این لویه جرگه تصمیم نگرفته و به سایر افغان‌ها اجازه برگزاری جرگه مزبور در مناطق تحت کنترل خود را نداده است. در عین حال، اتحاد شمال به رهبری احمد شاه مسعود آمادگی خود را برای شرکت در لویه جرگه پیشنهادی اعلام کرده است.

از طرف دیگر، سران «گروه ۸» در اعلامیهٔ پایانی اجلاس اخیر خود ضمن اشاره بر ضرورت اجرای کامل قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳ شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر نگرانی خود را نسبت به تهدید فزاینده تروریسم ابراز نموده و از رژیم طالبان خواستند ضمن رعایت مفاد این قطعنامه‌ها، در خصوص تعطیلی اردوگاه‌های آموزش تروریست‌ها اقدام کنند. رهبران گروه ۸ از ممنوعیت کشت خشخاش توسط رژیم طالبان تقدیر کردند؛ ولی در خصوص وجود تریاک در انبارها و قاچاق مواد مخدر در افغانستان ابراز نگرانی کردند. یک سخنگوی رژیم طالبان در واکنش به اعلامیه مشترک رهبران «گروه ۸» علیه طالبان گفته است که کلیه اتهامات وارده جزئی از تبلیغات سوء علیه امارت اسلامی افغانستان می‌باشد. (۲۴)

در حالی که گروه‌های مختلف افغان برای پیدا کردن یک راه‌حل سیاسی تحت رهبری محمدظاهر شاه رهبر سابق افغانستان جلساتی را در «رم» برگزار کرده‌اند عده‌ای هم در جلسات معروف به گردهمایی‌های لندن و بن مشغول فعالیتند. بسیاری از افغان‌ها بر این عقیده هستند

که تعادل نظامی میان طالبان و مخالفان در داخل این کشور بر شکل‌گیری هرگونه راه‌حل سیاسی اثر تعیین‌کننده دارد و عدم توازن نیروها زمینه مناسبی برای رسیدن به یک راه‌حل سیاسی نیست. اما تلاش سیاستمداران در خارج برای تغییر وضعیت نظامی و پایان دادن به جنگ در داخل افغانستان چه تأثیری خواهد داشت؟ این گردهمایی‌ها می‌تواند جبران‌کننده ضعف جبهه نظامی باشد.

نگاهی به آینده

بزرگترین چالشی که پاکستان در قرن حاضر با آن مواجه است روند جهانی شدن اقتصاد و عقب‌ماندگی این کشور از نظر اقتصادی در آستانه قرن بیست و یکم است. در آغاز هزاره سوم مفهوم تهدیدات علیه امنیت ملی تغییر یافته و دیگر تسلیحات نظامی و تجهیزات پیشرفته و حتی سلاحهای اتمی به‌تنهایی تأمین‌کننده امنیت ملی نیستند. خطر علیه امنیت ملی بیشتر ناشی از گسترش تکنولوژی ارتباطات که حاکمیت ملی را دچار مخاطره کرده، وضع داخلی کشورها و وضعیت اقتصادی در صحنه اقتصاد جهانی است.

در خصوص سیاست افغانی دولت پاکستان و حمایت بیش از حد از طالبان (که به دلیل حفظ امنیت ملی پاکستان بر آن تأکید می‌شود) انتقادهایی حتی در داخل پاکستان صورت گرفته و گفته شده که سیاست افغانی برای پاکستان بسیار پرهزینه بوده است. همچنین گفته می‌شود که خط مرزی دیوراند مورد پذیرش هیچ‌یک از گروه‌های متخاصم در افغانستان نیست و این موضوع می‌تواند در آینده زمینه بروز اختلاف و برخورد با افغانستان را فراهم آورد. (۲۵)

اکنون برخی بجای حمایت تام و تمام از مشروعیت طالبان که ۹۰ تا ۹۵ درصد خاک افغانستان را در سیطره و کنترل دارند و توانسته‌اند نظم و امنیت را در مناطق تحت کنترل خود ایجاد کنند بر این واقعیت‌ها تأکید می‌کنند که به‌رغم کنترل وسیع طالبان بر سرزمین افغانستان، به علت برخورد نیروهای مخالف و بخصوص نیروهای احمدشاه مسعود این کنترل کامل نیست و در معرض تهدید قرار دارد، طالبان نتوانسته‌اند حقوق اقلیت‌ها و زنان را رعایت نمایند و

همچنین قادر به کسب مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی نبوده‌اند.

طالبان نه تنها از نظر جامعه بین‌المللی بلکه از نظر اکثر کشورهای منطقه نیز به رسمیت شناخته نشده و تنها پاکستان بر حمایت از طالبان تأکید دارد. سازمان ملل با تشدید تحریم‌ها سعی دارد که تحرکی در اوضاع افغانستان به وجود بیاورد. آمریکا نیز با اعزام فرستاده خود به منطقه در نظر دارد در سیاست خود تغییراتی ایجاد نماید. تاکنون مقامات پاکستانی به حمایت کامل از طالبان پرداخته و حاضر نشده‌اند در موضع خود تغییری بدهند. مقامات پاکستانی حتی از اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد راضی نیستند و تاکنون چندین بار خواستار به رسمیت شناختن طالبان از سوی جامعه جهانی شده‌اند. با بحران کنونی در افغانستان آنچه بیش از همه در معرض تهدید قرار دارد امنیت منطقه است. قاچاق مواد مخدر و اسلحه در منطقه و نفوذ نیروهای خارجی از جمله این مسایل می‌باشد که تنها به دو نمونه کوتاه از آن اشاره می‌شود:

۱. یک روزنامه‌نگار و عکاس آلمانی که اخیراً از مرز مشترک تاجیکستان و افغانستان بازدید کرده فاش ساخت: «مواد مخدر از طریق بالگردانها و با تباری مرزبانان روسی از افغانستان به تاجیکستان قاچاق می‌شود. اغلب این قاچاقچیان در منطقه «پیانج» و سایر مناطق در کنار آمودریا که سطح آب در آنجا عمق زیادی ندارد فعالیت می‌کنند. مقامات تاجیکی و مرزبانان روسی نمی‌توانند از قاچاق مواد مخدر جلوگیری کنند چون آنها فاقد نیرو و منابع لازم هستند. قاچاقچیان با مقامات عالی‌رتبه مستقر در دوسوی مرز رابطه دارند.» (۲۶)

۲. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با افزایش نفوذ خود در میان گروه‌های درگیر در افغانستان، جای پای در آن کشور به دست بیاورد. کریستوفر بیوسک کارشناس امور خاورمیانه و دبیر اجرایی سابق روزنامه میدل ایست تایمز^(۲۷) چاپ قاهره گفت: رژیم صهیونیستی تلاش دارد تماسهایی با رژیم طالبان و اتحاد شمال به منظور به دست آوردن جای پای در افغانستان برقرار سازد. بنابه گفته این کارشناس، ادامه جنگ و عدم ثبات در نزدیکی مرز ایران به سود رژیم

صهیونیستی است؛ چون عوامل سازمان اطلاعات اسرائیل موسوم به «موساد» می‌توانند به راحتی داخل این منطقه نفوذ کرده تحولات جاری در کشورهای همسایه را زیر نظر بگیرند. وی افزود: رژیم صهیونیستی در حال حاضر دارای روابط بازرگانی با رژیم طالبان و اتحاد شمال می‌باشد.^(۲۸) بنابراین بحران افغانستان امنیت کل منطقه را به مخاطره افکنده است.

با توجه به مطالب فوق سناریوهای محتمل بحران افغانستان به شرح زیر است:

۱. ادامه بحران در افغانستان، یا حفظ وضع موجود؛

۲. حل بحران افغانستان یا تغییر وضع موجود، از طریق نظامی یا غیرنظامی.

در سناریوی اول آنچه بیش از همه آسیب می‌بیند نیروهای رقیب در افغانستان، امنیت و ثبات منطقه و مردم افغانستان هستند و منافع قدرت‌های بزرگ نیز تا حدودی از باقی ماندن این نقطه بحرانی - که می‌تواند اهرم فشار و آسیب‌پذیری کشورهای همسایه باشد - در این منطقه تأمین می‌شود. بسیاری از کارشناسان در مورد سیاستهای نامشخص آمریکایی‌ها در قضیه افغانستان اعتقاد زیادی به این ندارند که آمریکایی‌ها بتوانند به اقداماتی متوسل شوند که منجر به تغییرات اساسی شده و افغان‌ها در آینده نزدیک شاهد استقرار صلح و ایجاد دولت دلخواه‌شان باشند.

در سناریوی دوم یا تغییر وضع موجود، ممکن است از طریق مداخله نظامی نیروهای خارجی، اوضاع به نفع یکی از طرفهای درگیر تا مدتی تثبیت شود. در این زمینه مجله جینز دیفنس^(۲۹) گزارش داد: «سازمانهای اطلاعاتی آمریکا می‌گویند رژیم طالبان یک حمله تمام‌عیار علیه احمدشاه مسعود تا پایان سال جاری طراحی کرده تا موجبات شکست کامل وی فراهم شود و منطقه تحت کنترل وی تصرف گردد». مجله مزبور می‌افزاید: «آمریکا نمی‌خواهد رژیم طالبان به عنوان حاکم بلامنازع در افغانستان باشد». دخالت نظامی نیز همچنان که تاکنون شاهد بوده‌ایم راه‌حل نهایی بحران افغانستان نیست. اما تغییر وضعیت موجود از طریق غیرنظامی^(۳۰) با اجماع و توافق نظر گروه‌های مختلف افغانی، همکاری و هماهنگی میان

کشورهای منطقه به ویژه ایران و پاکستان را می‌طلبند. با توجه به واقعیت‌ها پس از چند سال ثابت شده که رژیم طالبان به تنهایی قابلیت استقرار صلح و ثبات در افغانستان را ندارد. ایران و پاکستان با توجه به این مسایل باید زمینه‌ای را فراهم نمایند تا این بحران که بیش از همه این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده باروی کارآمدن یک دولت فراگیر حل شود.

یادداشت‌ها

۱. نگاه کنید به:

Musa Khan Jalalzai, *The Foreign Policy of Pakistan*, Lahore: Dua Publications, pp.1-13.

2. Ibid., pp.47-92.

3. *The Dawn*, 3 July 2001.

۴. جنگ، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۱.

5. BBC, 26 July, 2001.

6. *The News*, 5 July 2001.

7. BBC, 2 August 2001.

۸. برای اطلاع بیشتر در مورد مرز افغانستان و پاکستان نگاه کنید به:

Iftikhar Hussain, *Some Major Pukhtoon Tribes along the Pak - Afghan Border*, M.Y. Effendi (ed), Islamabad: Area Study Center, 2000.

9. *The Frontier Post*, 21 July 2001.

10. *The Frontier post*, 6 Aug 2001.

11. *The Dawn*, 26 June 2001.

12. *The Frontier Post*, 21 July 2001.

۱۳. به نقل از:

The News, 3 July 2001.

14. *The Nation*, 3 July 2001.

۱۵. نوای وقت، ۵ اوت ۲۰۰۱.

16. *The News*, 3 Aug 2001.

17. *The News*, 2 August 2001.

18. *The News*, 5 August 2001.
19. *The Nation*, 27 July 2001.
20. *The Dawn*, 3 August 2001.
21. *The Dawn*, 3 July 2001.

۲۲. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Ralph H. Magnus & Eden Naby, *Afghanistan, Mullah, Marx and Mujahid*, Oxford: West view Press, 1998.

23. *The Dawn*, 3 July 2001.
24. *The Frontier Post*, 7 August 2001.
25. *The Frontier Post*, 22 July 2001.

۲۶. نگاه کنید به سخنرانی‌های ارائه شده در سمینار سیاست خارجی پاکستان در جهان متغیر که در ۱۸ اسفند ۱۳۷۷ از طرف مرکز مطالعات منطقه‌ای اسلام‌آباد (Regional Area Studies) در اسلام‌آباد برگزار شد.

27. *The News*, 2 August 2001.
28. *The Frontier Post*, 4 July 2001.

۲۹. به نقل از:

The Frontier Post, 16 July 2001.

۳۰. احمدشاه مسعود فرمانده اتحاد شمال گفت: اگر رژیم طالبان می‌گوید که زمین گذاشتن سلاح می‌تواند مناقشه افغانستان را حل و فصل کند در آن صورت بیایید سلاحها را زمین بگذاریم و انتخابات را برگزار کنیم. ما این کار را هر گاه ملت افغانستان بخواهد تحت نظارت سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی انجام خواهیم داد. وی گفت: در صورتی که طالبان مدعی برخورداری از اکثریت آرای توده‌های مردم هستند آنها باید این روش را اتخاذ کنند چون دولت تشکیل شده از طریق انتخابات مشروعیت خواهد داشت. وی گفت: جنگ در افغانستان زمانی خاتمه خواهد یافت که پاکستان سیاست خود در منطقه را تغییر دهد و یا کشورهای خارجی و جامعه بین‌المللی اسلام‌آباد را تحت فشار قرار داده مجبور به قطع مداخله کنند. وی ادعا کرد: طالبان در صورت قطع حمایت از سوی پاکستان نمی‌توانند جنگ را بیش از چهار ماه ادامه دهند. وی عده اسرای جنگی پاکستانی در بازداشت خود را بیش از ۱۰۰ تن اعلام کرد. وی به اظهارات مکرر پرویز مشرف درباره منافع پاکستان در افغانستان و حمایت از طالبان اشاره کرد و گفت: این محکم‌ترین مدرک مداخله پاکستان در افغانستان می‌باشد. (فرانزپست، ۸ اوت ۲۰۰۱)